

واژگان سال دوم

درس ۱

according to	براساس ، برطبق
bill	سورت حساب ، پول
cage	قفص
decide	تصمیم گرفتن
give back	برگرداندن
keep on	ادامه دادن
make a mistake	اشتباه کردن
passage	متن
request	درخواست کردن
reward	پایزه
run out of	تمام کردن ، تمام شدن
take ... apart	جدا کردن

درس ۲

airport	فرودگاه
bridge	پل
church	کلیسا
coach	ارابه ، درشکه
employ	استخدام کردن
factory	کارخانه
glow	درخشیدن
history	تاریخ
knowledge	دانش
navy	نیروی دریایی
photographer	عکاس
rather	نسبتاً
sailor	ملوان
space	فضا
steal	دزدیدن

understand فهمیدن

wide پهلو

windy بادی

درس ۳

hurt آسیب رساندن

magazine مجله

match مسابقه

offer پیشنهاد

price قیمت

pull کشیدن

punish تنبيه کردن

repair تعمیر کردن

speed سرعت گرفتن، با سرعت رفتن

thumb انگشت شست

tiny خیلی کوچک

track راه ، مسیر

war جنگ

درس ۴

against علیه ، خلاف

although اگرچه

boss رئیس

coal زغال سنگ

complete تکمیل کردن

countryman هم‌شهری ، هم‌وطن

cruel ظالم

cry گریه کردن

earn به دست آوردن ، گرفتن

handle دستگیره

ill مریض ، بیمار

law قانون

metal فلز

perfectly	کاملاً
prefer	ترجیح دادن
promise	قول دادن
real	حقیقی
reason	دلیل
terrible	فحشلی بد

درس ۵

can	قوطل
capital	پایتفت
crowded	شلوؑ ، پرجمعت
get into trouble	در دردسر افتادن
hate	متنفر بودن
lazy	تنبل
lovely	دوست داشتنی
mixed up	کلیچ
museum	موزه
population	جمعت
seaside	سامل
taste	منزه کردن
trip	سفر

درس ۶

advice	نهیست ، توویه
bother	اذیت ، آزار
breath	نفس
breathe	تنفس کردن
coin	سکه
cover	پوشاندن
cure	درمان کردن
disease	بیماری
giggle	خندیدن

hiccup	سکسکه، سکسکه کردن
humid	شرعی
jerk	تکان خوردن
last	باقی ماندن، طول کشیدن
lend	قرض دادن
medicine	دارو
mind	فکر کردن
miss	از دست دادن
muscle	عضله، ماهیچه
obey	اطاعت کردن
order	دستور دادن، دستور
scare	ترساندن
second	ثانیه
successful	موفق
unwelcome	ناخواسته، نامطلوب

درس ۷

actually	مقیقتاً، در مقیقت
agree	موافقت کردن
appointment	قرار ملاقات
behaviour	رفتار
comment	نظر دادن
common	معمول، عمومی
conversation	گفت و گو
depend (on)	وابسته بودن
describe	توصیف کردن
different (from)	متفاوت
disagree	مخالفت کردن
education	آموزش، تعلیم
expect	انتظار داشتن
expression	اصطلاح

greet	سلام و احوالپرسی کردن
health	سلامتی ، تندرستی
idea	ایده ، عقیده
importance	اهمیت
necessary	لازم
opinion	فکر ، ایده ، عقیده
peace	صلح ، آرامش
politics	سیاست
purpose	دلیل ، غرض ، هدف
religion	مذهب
require	نیاز داشتن
safe	امن ، بی خطر
similar	شبهه
social	اجتماعی
sufficient	کافی
suitable	مناسب
vocabulary	واژگان